

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## آب، امنیت و غرب آسیا

---

گزیده پژوهش‌های جهان: آب، امنیت و غرب آسیا

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

تألیف: دلیله رحیمی آشتیانی

تاریخ انتشار: ۹۷/۸/۲۸

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: [www.tisri.org](http://www.tisri.org)

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



## خلاصه اجرایی

آب، سیاسی‌شده‌ترین منبع طبیعی در جهان است؛ به طوری که در برخی موارد با دیگر منبع طبیعی استراتژیک، یعنی نفت مقایسه می‌شود. تفاوت آنها این است که بدون آب هیچ کس نمی‌تواند بیش از چند روز زندگی کند و این ماده حیاتی تابع مرزهای جغرافیایی نیست. امروزه درحالی که دولت‌ها درمورد شکاف درحال افزایش تقاضای آب و عرضه آن در کشورهای خود نگران هستند، ۲۶۳ رودخانه از مرز دو یا چند کشور عبور می‌کنند و حوضه‌های بین‌المللی ۴۵/۳ درصد از سطح زمین را پوشش می‌دهند. همچنین بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان به رودخانه‌های بین‌المللی وابسته‌اند که حدود دو سوم آنها در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند.

نگرانی‌های موجود درمورد منابع کمیاب آب و رقابت برای دستیابی هرچه بیشتر به این منابع حیاتی طبیعی، زمینه‌ساز ایجاد نگرانی و درگیری میان دولت‌ها و پیش‌بینی وقوع جنگ‌های آب در آینده شده است. در سال ۱۹۹۵، بانک جهانی و سپس اسماعیل سراگلدین<sup>۱</sup>، معاون مصری رئیس بانک جهانی، ادعا کرد که «جنگ قرن آینده بر سر آب خواهد بود».

درحالی که ۷۱ درصد از سیاره زمین از آب پوشیده شده است، تنها ۳/۵ درصد آن را آب شیرین تشکیل می‌دهد و از این مقدار تنها نزدیک به یک درصد (۰/۸۶ درصد) به‌راحتی قابل دسترسی است؛ حال، درنظر بگیریم که این منابع کمیاب، بسیار ناهمگن هم توزیع شده باشند؛ به طوری که برخی مناطق از عرضه فراوان برخوردارند و درعین حال، مناطق دیگر سهم زیادی ندارند؛ خاورمیانه ازجمله مهم‌ترین مناطقی است که با وجود داشتن ۵ درصد از جمعیت جهان تنها ۱ درصد آب‌های شیرین و قابل دسترسی را در اختیار دارد.

درحال حاضر، مسائلی نظیر رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی، بهبود سطح زندگی و

1. Ismail Serageldin



بهداشت، توسعه صنایع و کشاورزی و... موجب افزایش تقاضای آب شده؛ به‌طوری‌که مصرف آب در مقایسه با اوایل سده بیستم، هفده برابر و در مقایسه با سه قرن گذشته، ۴۵ برابر شده است. از میان منابع آب موجود در خاورمیانه نیز، بخش بزرگ آن عمدتاً به‌صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیش از ۵۰ درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسئله رقابت‌ها و منازعاتی را برای استفاده هرچه بیشتر از این منابع محدود به‌دنبال دارد.

هدف از نگارش این پژوهش، واکاوی علل داخلی بحران آب در ایران و بررسی اختلافات حوضه‌های آبریز مشترک در خاورمیانه، یعنی حوضه رود اردن، دجله و فرات و هیرمند و پاسخگویی به این پرسش است که آیا می‌توان آب را به‌عنوان عاملی برای بروز یا تشدید مناقشات جدید در خاورمیانه مطرح کرد. از آنجا که حوضه رود نیل از حوضه‌های آبریز مشترک شمال آفریقا است و تمرکز این پژوهش بر منابع آبی مشترک خاورمیانه است، به آن پرداخته نشده است.



## مقدمه

در سده ۲۱، امنیت هر کشور در صورتی به‌طور نسبی تأمین خواهد شد که علاوه بر قدرت نظامی به عوامل دیگر نیز توجه کاملی داشته باشد. امروزه عوامل غیرنظامی تهدید، امنیت و پیشرفت کشورها را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو ساخته‌اند. مهم‌ترین این تهدیدات عبارتند از: توسعه اقتصادی بدون توجه به محیط زیست، اختلافات قومی، تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، بزهکاری‌های سازمان‌یافته و بحران‌های زیست‌محیطی.

مفهوم امنیت، امروز دیگر تنها شامل مسائل نظامی نمی‌شود و صرفاً در چهارچوب مرزهای سنتی کشورها قابل تحقق نیست. اگر امنیت را به‌شکل گسترده، تهدیدات نسبت به سلامتی و ایمنی بدنیم، می‌توان ادعا کرد که شمار زیادی از مردم جهان به‌طور آشکار در فقدان معیارهای امنیتی زندگی می‌کنند. به بیان واضح‌تر، در سده ۲۱، عوامل متعددی می‌توانند سبب ناامنی شده و ریشه آغاز آن باشند؛ تفاوت‌های مذهبی یا قومی، فقر و گرسنگی و کمبود منابع از عوامل ناامنی در این قرن به‌حساب می‌آیند.

طی چند دهه اخیر، گزاره‌هایی همانند کشمکش بر سر منابع طبیعی، کمبود منابع طبیعی، فرسایش محیطی، گرمایش جهانی و نگرانی از پیامدهای اجتماعی و سیاسی آنها، کانون ادبیات سیاست و امنیت زیست‌محیطی جهان بوده‌اند. گزاره‌های یادشده درست همان جایی هستند که «ژئو» (زمین و زیست‌کره) و «پلیتیک» (سیاست و مناسبات قدرت) درهم می‌آمیزند.

تمرکز جغرافیایی یکی از ابعاد مهم [ژئوپلیتیک] منابع طبیعی است که چگونگی پراکنش آن (تمرکز یا توزیع) عامل مهمی در توانایی کنترل توسط یک دولت یا حتی غارت این منابع توسط دولت دیگر تلقی می‌شود. طبق نظر پروفیسور فیلیپ لو بیون، استاد جغرافیای دانشگاه بریتیش کلمبیا و یافته‌های وی از علل سیاسی جنگ بر سر منابع طبیعی و محیط زیست، امکان غارت و دستیابی به این منابع، انگیزه مهم ایجاد منازعات بر سر آن است. به عبارت ساده‌تر، وی امکان دسترسی به یک منبع را عامل رقابت بین دولت‌ها و یا دلیل تهدیدات دوسویه می‌داند؛ زیرا این منابع اولاً مطلوب و ارزشمند هستند، ثانیاً در فضایی تقریباً ثابت قرار دارند.



منابع طبیعی امروزه اهمیت راهبردی پیدا کرده‌اند تا جایی که فراتر از مسئله تأمین مالی جنگ، از منابع طبیعی به‌عنوان انگیزه مهم چندین جنگ در دهه ۱۹۹۰، از حمله عراق به میدان‌های نفت کویت، تا جنگ‌های داخلی بر سر الماس در غرب آفریقا یاد می‌شود. اصطلاح جنگ منابع طبیعی نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در مورد چشم‌انداز تهدید شوروی برای دسترسی آمریکا به منابع نفتی خاورمیانه به کار برده شد. در سال ۱۹۸۰ مایکل تی. کِلِر<sup>۱</sup>، استاد مسائل امنیت بین‌الملل دانشگاه کلمبیا، اصطلاح «جنگ منابع»<sup>۲</sup> را مطرح کرد و پس از آن، این اصطلاح در روابط بین‌الملل رواج یافت.

امروزه با توجه به تغییرات اقلیم، جنگ‌زدایی و یا آلودگی و امکان گسترش جنگ منابع در عصر کمبود، بار دیگر [احتمال] وقوع جنگ‌های آب، جنگ‌های مواد مخدر، جنگ‌های الماس، جنگ‌های نفت به‌طور گسترده‌ای در روابط بین‌الملل کاربرد یافته است.

تغییرات آب و هوایی ناشی از علل انسانی و بسیاری از پیامدهای منفی ناشی از رابطه انسان و محیط، از رهیافت ژئوپلیتیک محیط زیست قابل بررسی است. برخی از این موارد، حتی از سوی قدرت‌های مختلف به‌عنوان اسلحه‌ای برای مقابله با دشمن استفاده می‌شود که از آن به نام جنگ اکولوژیک یا در مورد بیماری‌ها، جنگ بیولوژیک نام برده می‌شود. جنگ بر سر منابع کمیاب، به‌ویژه در مناطق بحرانی نیز وجود دارد؛ برای نمونه، برخی از احتمال وقوع جنگ‌ها بر سر آب در مناطق خشکی چون غرب آسیا سخن می‌گویند.

براین‌منا، آب به‌مثابه منبعی کمیاب در منطقه غرب آسیا می‌تواند با ایجاد، تداوم یا تشدید احساس «کمبود آب» در آینده، عامل تهدیدکننده امنیت انسانی دولت‌های منطقه باشد که این امر رقابت را بر سر تصاحب این منابع افزایش خواهد داد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که یکی از دلایل اصلی ایجاد تنش بین کشورها در آینده نزدیک کنترل آب شیرین باشد. حتی در عصر حاضر نیز مسئله آب پشت پرده چندین درگیری مسلحانه بوده است؛ برای نمونه، می‌توان به درگیری‌های چند دهه‌ای اعراب و رژیم صهیونیستی اشاره کرد. کارشناسان اشاره کرده‌اند که خطر بروز بسیاری از مشکلات در آینده با کنترل و عرضه آب مرتبط خواهد بود.

در مجموع، مسئله آب و بحران‌های ناشی از آن در دوسطح داخلی و خارجی قابل بررسی

1. Michael T. Klare  
2. Resource Wars



است؛ درحالی‌که سطح داخلی بحران آب به مدیریت منابع آبی در داخل کشور مربوط است، سطح خارجی مسائل به دیپلماسی آب یا منازعه بر سر سهم‌بری از حوضه‌های آبریز مشترک مربوط است.

ایران هم‌اکنون درحال تجربه مشکلات جدی آب است. خشکسالی‌های پی‌درپی همراه با برداشت بیش از حد و بی‌رویه آب‌های سطحی و زیرزمینی از طریق شبکه بزرگی از زیرساخت‌های هیدرولیکی و چاه‌های عمیق، وضعیت آب کشور را به سطح بحرانی رسانده که از نشانه‌های این وضعیت خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، پایین آمدن کیفیت آب، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و طوفان‌های گردوغبار بیشتر است.

درمورد سطح داخلی بحران آب در ایران به‌صراحت می‌توان گفت که چالش امروزی آب بیش از آنکه ناشی از کمبود بارش، میزان بالای تبخیر سالیانه و خشکسالی‌های دوره‌ای باشد، از مدیریت ناصحیح منابع آب و تخصیص نادرست و نابجای آن نشئت گرفته است؛ امری که در شرایط خطرناک فعلی توقف فوری آن بسیار ضروری است.

به‌طور کلی، با بررسی بازیگران عرصه آب، می‌توان چهار بازیگر اصلی بحران آب در غرب آسیا را تشخیص داد که عبارتند از: ایران، طرف عربی، ترکیه و رژیم صهیونیستی. درحال حاضر، از میان این چهار بازیگر، ترکیه و رژیم صهیونیستی فعال و توانمند هستند. این دو دارای برنامه‌ها و طرح‌های روشنی برای توسعه منابع آبی در سطح منطقه بوده و درحال اجرای آنها هستند. در ادامه، منازعات و اختلافات منابع مشترک آبی خاورمیانه یعنی حوضه رود اردن، دجله و فرات و هیرمند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. حوضه رود اردن

این حوضه شامل تمام یا بخش‌هایی از لبنان، سوریه، اردن، رژیم صهیونیستی و فلسطین است و هشتاد درصد آن به رژیم اشغالگر قدس، اردن و کرانه غربی اختصاص دارد. دراین‌میان، تلاویو و امان بیش از دیگران به آب‌های آن نیازمندند. حوضه رود اردن کوچک‌ترین منطقه جغرافیایی محل رقابت بر سر آب در خاورمیانه است که تاکنون بزرگ‌ترین مشکلات و منازعات سیاسی را به خود اختصاص داده است. البته تمامی مناقشات موجود در این منطقه نشئت گرفته از این موضوع نیست، ولی رقابت بر سر تصاحب



منابع آب و بهره‌برداری بیشتر از آنها یکی از عوامل اساسی تداوم چالش‌ها و از موانع عمده بر سر راه روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است.

## ۱-۱. نقش آب در منازعات حوضه رود اردن

دراختیار داشتن آب‌های منطقه مدت‌ها پیش از پیدایش رژیم غاصب صهیونیستی، به‌عنوان یکی از نخستین ضرورت‌های این رژیم نوپا، سیاست‌های صهیونیست‌های اولیه را رقم می‌زد. یادداشت ۶ دسامبر ۱۹۱۹ جنبش صهیونیسم یکی از شواهد این مدعاست که در آن آمده است: «حقیقت اساسی در مورد مرزهای فلسطین اشغالی این است که باید آب‌های لازم برای آبیاری و تأمین نیروی برق را به داخل این مرزها هدایت کرد و این شامل رودخانه لیتانی و منابع آب‌های اردن و برف‌های جبل‌الشیخ می‌شود».

هرتزل، یکی از مؤسسين جنبش صهیونیسم، در کتاب «ارض جدید - ارض قدیم» بر ضرورت الحاق مناطق پرآب به قطعه زمینی که برای ایجاد «میهن یهودی» مورد هدف صهیونیست‌ها بود تأکید کرده است. رعنان نیز در کتاب خود با عنوان «مرزهای امت»، نقشه‌های توسعه‌طلبانه صهیونیسم در مورد منابع آب را چنین آورده است:

«چون هدف سازمان صهیونیسم جمع کردن تعداد زیادی از یهودیان در سرزمینی با مساحت محدود است، لازم است که پروژه‌های آبیاری گسترده‌ای تهیه شود و چون منابع آب در فلسطین محدود است، این پروژه‌ها توسعه داده می‌شوند تا زمین‌های واقع در شمال و شمال شرقی فلسطین را دربرگیرند و به منابع اردن و رودخانه لیتانی و برف‌های حرمون و یرموک متصل شوند».

به‌طور کلی، سیاست‌های آبی رژیم صهیونیستی چهار مرحله را پشت‌سر گذاشته است: مرحله نخست عبارت است از چانه‌زنی این رژیم بر سر منابع آب؛ ویژگی بارز مرحله دوم تمرکز توجه رژیم صهیونیستی به توسعه منابع ملی و مشترک آب است؛ سومین مرحله از سیاست‌های آبی رژیم صهیونیستی به اشغال و تصرف سرمنشأهای منابع آب منطقه اختصاص دارد و چهارمین مرحله که هنوز هم ادامه دارد، بازگشت این رژیم به سیاست چانه‌زنی است. آنچه ویژگی مشترک همه این مراحل و محور اصلی سیاست‌های رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد، تلاش مستمر این رژیم برای تصاحب هرچه بیشتر منابع آب منطقه است.

رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس تاکنون، چندین بار برای دستیابی به منابع آب با کشورهای همجوار درگیر شده است:





## نخستین درگیری نظامی (۱۹۵۳)

با وجود اینکه سوریه و رژیم صهیونیستی، سال‌های پیش بر سر چشمه‌های الحما (هامات قادر) با هم درگیر شدند، اما اولین رویارویی نظامی عمده و عملی دو طرف که بر سر آب صورت گرفت در سال ۱۹۵۳ بود. در ۲ سپتامبر ۱۹۵۳، رژیم صهیونیستی احداث کانال گشر بی‌نات یعاکو<sup>۱</sup> در منطقه غیرنظامی سوریه - رژیم صهیونیستی را آغاز کرد؛ این کانال در کنار رودخانه اردن احداث و بخشی از آب رودخانه اردن را به سرزمین‌های اشغالی منتقل می‌کرد که همین مسئله زمینه‌ساز درگیری نظامی میان این دو شد.

## دومین درگیری نظامی (۱۹۶۵)

در ژانویه ۱۹۶۴ دو کشور سوریه و لبنان طرح جدیدی را پیشنهاد کردند و سران اتحادیه عرب این طرح را مورد حمایت مالی قرار دادند؛ براساس این طرح، کانال‌هایی در حوضه رود اردن احداث و بخشی از آب این رودخانه به مناطق خاصی در لبنان و سوریه انتقال می‌یافت. با احداث این کانال‌ها، رژیم صهیونیستی که بخش اعظم آب رود اردن را از دست‌رفته می‌دید، ضمن اعتراض به طرح اتحادیه عرب، به سازمان ملل شکایت کرد؛ استمداد این رژیم از سازمان ملل، سودی نبخشید و رژیم اسرائیل در سال ۱۹۶۵ با استفاده از تانک و حملات هوایی، تأسیسات لبنان و سوریه را مورد حمله قرار داد.

## سومین درگیری (جنگ شش روزه)

ناف و ماتسون نوشته‌اند که «برخی می‌گویند که درگیری‌های موردی مربوط به منابع آبی منجر به جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شد». ناف در نوشته دیگر خود صریحاً ادعا می‌کند، «مسئله آب یکی از مهم‌ترین عوامل وقوع جنگ شش روز بود». در واقع، یک‌سری از درگیری‌های مرزی سوریه - رژیم صهیونیستی بود که منجر به حملات هوایی دو طرف علیه تأسیسات یکدیگر شد؛ آن‌هم در دوره‌ای که این رژیم با انجام عملیات‌های مختلف در صدد نابودی و انهدام تأسیسات سوریه در پروژه انتقال آب رود اردن بود. جنگ شش روزه هم در چنین شرایطی اتفاق افتاد.

## چهارمین درگیری (اشغال بلندی‌های جولان)

رژیم صهیونیستی با اشغال بلندی‌های جولان که دارای بارندگی‌های فراوانی هستند؛

1. Gesher B'not Yaako V



کنترل سرچشمه های رود اردن، رود حاسبانی، رود بانیاس در سوریه و چشمه دان را به چنگ آورده است.

### پنجمین درگیری؛ تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک لبنان (۱۹۷۸)

تجاوز ۱۹۷۸ رژیم صهیونیستی به خاک لبنان که به «عملیات لیتانی» مشهور است، به اشغال بخشی از جنوب لبنان شامل قسمتی از بقاع غربی واقع در سرحدات جنوب تا رودخانه لیتانی انجامید. هرچند این رژیم برای آن تجاوز بهانه‌هایی امنیتی می‌تراشید و اعلام می‌کرد که به محض تحقق شرایط امنیتی ویژه، این منطقه را تخلیه خواهد کرد؛ یکی از اهداف عمده رژیم صهیونیستی از این اقدام اشراف بر مسیر رودخانه لیتانی بود. استقرار قابل تأمل ارتش صهیونیستی در مناطق خاصی آن رژیم را قادر می‌ساخت که از یک سو، مجرای رودخانه لیتانی را به سوی سرزمین‌های اشغالی تغییر دهد و از سوی دیگر، امتداد نوار مرزی امنیتی تا شمال سد مهم رودخانه لیتانی، کنترل دریچه‌های خروجی آب سدها را در اختیار رژیم صهیونیستی می‌گذاشت.

با توجه به پیشینه مناقشات، به‌روشنی می‌توان دریافت که رژیم اشغالگر قدس تصویر روشنی از خاورمیانه دارد و به‌همین دلیل توانسته است با منابع جدید و روزآمد، بحران آب را مدیریت و کنترل کند. آن رژیم با مدیریت کارآمد آب‌ها و داشتن یک شبکه ملی آبی کاملاً متصل، سهم آب را در سراسر اراضی اشغالی پخش می‌کند؛ این رژیم با استفاده از شبکه‌های آبیاری قطره‌ای کار بزرگی انجام می‌دهد و هفتاد درصد از منابع آب شهری آنها بازیابی و استفاده مجدد می‌شود. رژیم صهیونیستی که روزی در آستانه واردات ۵۰ میلیون مترمکعب آب در سال از ترکیه بود اکنون از طریق تعریف سیستم کشاورزی بر مبنای آبیاری قطره‌ای و راه‌های دیگری از جمله تصفیه آب‌های خانگی و صنعتی، توانسته است ۵۵ درصد آب مازاد تولید کند و در حال حاضر، در حال احداث تأسیسات بزرگ آب شیرین‌کن است.

### ۲. حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

حوضه رودهای دجله و فرات یکی از مهم‌ترین حوضه‌های آبی خاورمیانه است که منازعات بر سر آن پیشینه‌ای طولانی دارد. حوضه رودخانه‌های دجله و فرات، حوضه‌ای از آب‌های فرامرزی است که ترکیه، سوریه، عراق و ایران، و عربستان و اردن (با درصد سهم ناچیز) را دربر می‌گیرد. نمی‌توان انکار کرد که مسئله ریشه‌دار بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و روابط



سیاسی متضاد، تأثیر منفی بلندمدت خود را بر مدیریت پایدار منابع منطقه و استفاده از آب‌های مشترک مرزی گذاشته است. ظهور بازیگران جدید «غیردولتی» مانند داعش، کنترل عراق و سوریه را بر منابع آبی با دشواری روبه‌رو کرد؛ این گروه توانست از سازه‌های آبی این دو کشور برای بیرون راندن ساکنان این کشورها استفاده کند.

## ۱-۲. پیشینه منازعات حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

### – منازعات ترکیه و سوریه

این منازعات در درجه نخست از اختلاف نظر کشورها در تعریف وضعیت قانونی رودهای دجله و فرات و در نتیجه، تفاوت دیدگاه‌های آنان در مورد حقوق کشورهای حاشیه این رودها ناشی می‌شود. ملاحظاتی سیاسی گسترده‌تری نیز بر اختلافات آنان سایه افکنده و آنها را تشدید می‌کند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: حمایت سوریه از شورشیان حزب کارگران ترکیه در مناطق کردنشین جنوب شرقی آناتولی و ادعای ارضی سوریه در مورد استان هاتای ترکیه<sup>۱</sup> قبل از بحران سوریه و نگرانی دمشق از وسعت دامنه همکاری‌های اقتصادی آنکارا و بغداد پیش از بحران خلیج فارس.

در سال ۱۹۸۷ سوریه و ترکیه در پی موافقت نامه همکاری اقتصادی دوجانبه که شامل مقرراتی در مورد استفاده از آب رودخانه فرات بود، پروتکلی امنیتی نیز به امضاء رساندند، ولی در عمل چندان مؤثر واقع نشد. مرکز عملیات حزب کارگران کردستان از سوریه به دره بقاع در لبنان که در کنترل نظامی دمشق بود، انتقال یافت. سوریه از بازگرداندن رهبر حزب کارگران کردستان که او را یک پناهنده سیاسی تلقی می‌کرد، خودداری کرد. عملیات این حزب از دره بقاع در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ همچنان ادامه یافت و موجب افزایش تشنج در ترکیه شد؛ به طوری که اوزال چندین بار هشدار داد که آنکارا تروریسم مورد حمایت همسایگان را تحمل نخواهد کرد و سرانجام، در اکتبر ۱۹۸۷ اعلام داشت که اگر سوریه از پشتیبانی این حزب دست بردارد، آب رود فرات را بر آن کشور خواهد بست.

### – منازعات ترکیه و عراق

طی دهه ۱۹۸۰، روابط اقتصادی ترکیه و عراق رونق گرفت. حجم مبادلات دو کشور

1. Hatay



در طول جنگ عراق علیه ایران رشد قابل ملاحظه‌ای یافت. افزون‌براین، سیاست‌های ترکیه و عراق در مورد مسئله جدایی‌طلبی کردها، اغلب اوقات همسویی داشته؛ به گونه‌ای که به همکاری نظامی و حتی آشکار آنها نیز منجر شده است. آنچه موجب برهم خوردن این وفاقی شد، کنار گذاشته شدن عراق از پروتکل اقتصادی ۱۹۸۷ ترکیه - سوریه، به ویژه طرد شدن این کشور از مذاکرات مربوط به تقسیم آب فرات بود. در نتیجه، عراق در مورد امنیت مرزی همکاری کمتری به خرج داد و حزب کارگران کردستان از پایگاه‌های خود در شمال عراق، حملاتی به خاک ترکیه صورت داد. با شروع جنگ خلیج فارس ترکیه به آمریکا این امکان را داد که از طریق پایگاه‌های خود در خاک این کشور، به اهداف مورد نظرش در عراق حمله کند و بدین ترتیب، بر روابط ترکیه و عراق تیره‌تر شد؛ اما پس از تحریم‌های اقتصادی عراق از سوی سازمان ملل متحد، به نظر می‌رسد که ترکیه مایل به از سرگیری روابط تجاری خود با عراق شده و در پی آن است که این کشور را مشتری کالاهای کشاورزی تولیدشده در منطقه تحت پوشش گاپ کند.

## ۲-۲. اقدامات ترکیه برای دستیابی به سهم آب بیشتر از رودخانه‌های دجله

### و فرات

ترکیه برخلاف باور همگان، کشوری غنی از نظر منابع آبی نیست؛ اگرچه این کشور در مقایسه با همسایگان خود منابع آبی بیشتری دارد، اما کمبود آب در آینده نزدیک از مهم‌ترین دغدغه‌های این کشور است. ترکیه که از نظر تولید مواد غذایی اعم از سبزیجات و میوه‌جات در این منطقه خودکفاست، خود را در برابر بحرانی می‌بیند که در صورت رفع نشدن، منافع این کشور را به شدت آسیب‌پذیر خواهد ساخت. به نظر برخی صاحب‌نظران، امروزه نیز ترکیه از منابع آب به‌عنوان ابزاری برای زیر فشار قرار دادن سوریه و عراق استفاده می‌کند. این مسائل سبب شده که ترکیه طرح جامعی برای افزایش سهم آبی خود پیگیری و اجرا کند، در ادامه به دو مورد از این طرح‌ها اشاره خواهد شد.

### - طرح گاپ<sup>۱</sup>

نخستین مرحله این طرح مشتمل بر سیزده پروژه اصلی برای آبیاری و تولید انرژی با هزینه‌ای معادل جمعاً دوازده میلیارد دلار بر روی فرات و دجله بود. سد آتانورک، مهم‌ترین

1. Guneydoyu Anadolu Projesi (GAP)\_ Southeastern Anatolia Project



پروژه این مجموعه، در محلی احداث شده که آب سرچشمه های فرات قبل از پیوستن به یکدیگر و جاری شدن در بستر فرات به سوی سوریه، با مجموعه‌ای از تلمبه‌خانه‌های قوی و از طریق تونل‌های متعدد به پشت سد آتاتورک انتقال می‌یابد. پروژه گاپ از جمله پرهزینه‌ترین طرح‌های عمرانی شناخته شده است. این پروژه عظیم منطقه وسیعی را شامل می‌شود و دربرگیرنده نوزده نیروگاه برق، ده‌ها مجتمع کشت و صنعت، کیلومترها کانال و تونل آبیاری و ۲۲ سد کوچک و بزرگ است. مهم‌ترین این سدها سد آتاتورک پنجمین سد بزرگ جهان و سدهای کاراکایا و کبان بر روی رود فرات ساخته شده‌اند.

### – سد ایلیسو

سد ایلیسو یکی از بزرگ‌ترین سدهای طرح گاپ کشور ترکیه محسوب می‌شود. ساخت این سد ۱۰/۴ میلیارد مترمکعبی از دسامبر ۲۰۱۴ روی سرشاخه‌های دجله آغاز شده و عملیات احداث آن همچنان ادامه دارد. سد عظیم «ایلیسو» توسط دولت ترکیه به‌روی سرشاخه‌های دجله در نهایت، باعث خشکی آن رود در عراق و به تبع آن تالاب هورالعظیم در ایران و ایجاد بحران‌های جدی زیست‌محیطی در ایران و منطقه خواهد شد. این سد بخشی از طرح گاپ در جنوب شرقی ترکیه است که موجب عدم ورود آب به میزان قبلی به دجله و فرات و باعث کم‌آب شدن این دو رودخانه در پایین‌دست و نابودی کشاورزی و دامداری در کشورهای سوریه و عراق شده و همین‌طور کم‌آب شدن اروندرود و ورود آب شور دریا به آن و نهرهای متصل به اروندرود را در پی خواهد داشت که در نتیجه، نخلستان و دامپروری منطقه را روبه‌نابودی خواهد برد. این تغییرات باعث به‌وجود آمدن توفان‌های گردوغبار در منطقه و سرایت آن به ایران می‌شود که مشکلات زیست‌محیطی و شیوع بیماری‌های عفونی و تنفسی را در منطقه به‌دنبال می‌آورد. همچنین این توفان‌ها نمک و رسوبات دیگر را نیز در زمین‌های زراعی اطراف پخش می‌کنند و مشکلات مضاعفی را به‌وجود می‌آورند؛ نظیر فاجعه‌ای که به‌علت خشک کردن دریاچه آرال در آسیای مرکزی رخ داد. هم‌اکنون که طرح گاپ به‌طور کامل اجرا نشده، تأثیرات زیست‌محیطی آن شروع شده که توفان‌های گردوغبار بی‌سابقه در منطقه و سرایتش به ایران، نمونه بارزی از اثرات آن است.

نباید از نظر دور داشت که گاپ تنها یک برنامه توسعه اقتصادی برای ترکیه محسوب نمی‌شود. این طرح به‌عنوان اهرم نیرومندی در تأمین امنیت و منافع استراتژیک ترکیه به‌شمار



می‌آید. ترکیه با اجرای گاپ، بدون رعایت اصول و قوانین بین‌المللی مربوط به آب‌های مشترک، هیجده سد و آبگیر بر روی رود فرات که ۴۰ درصد آب موردنیاز کشاورزی سوریه را تأمین می‌کند، ایجاد کرده است. این کشور به‌رغم تمام فشارها و میانجیگری‌های مراجع مالی عرب که عهده‌دار تأمین بخشی از هزینه‌های گاپ بودند، به‌طور یک‌جانبه آب فرات را به حدی تقلیل داد که در سال ۱۹۹۰ بسیاری از محصولات کشاورزی عراق و سوریه در طول رود فرات از بین رفتند.

### ۳. حوضه رود هیرمند

تنش‌های مربوط به تعیین رژیم بهره‌برداری و یا تعیین حاکمیت در رودخانه‌های مرزی یا بین‌المللی همواره یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات دولت‌ها با یکدیگر بوده است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده؛ به‌طوری‌که اختلاف بر سر بهره‌برداری، تعیین حقا به و یا تعیین حدود مرزی (تعیین حاکمیت) رودخانه‌های مرزی، یکی از اختلافات مهم ایران با همسایگان خود در صدسال گذشته بوده است.

یکی از آن همسایگان افغانستان است که توجیهش درباره خشکسالی و کاهش نزولات آسمانی، غیرحقوقی و غیرقابل‌پذیرش است؛ زیرا حتی در زمان خشکسالی و بروز خسارت‌های احتمالی باید براساس توافقات قبلی صورت‌گرفته از سوی دو طرف عمل شود. بنابراین، مقدار حقا به دو طرف باید از همان مقدار اندکی هم که وجود دارد تعیین شود.

درمورد رودخانه هیرمند تاکنون چند نظام حقوقی تعریف و تنظیم شده است:

۱. حکمیت سر فردریک گلداسمیت ۱۸۷۳ م؛

۲. حکمیت مک‌ماهون ۱۹۰۵ م؛

۳. نظام پیشنهادی کمیسیون هیرمند ۱۳۳۰ ش؛

۴. معاهده تقسیم آب هیرمند ۱۳۵۱ ش.

اختلاف ایران و افغانستان بر سر موضوع آب هیرمند تا سال ۱۳۵۱ که رژیم حقوقی هیرمند بین دو کشور منعقد شد پابرجا ماند، اما از زمان تدوین و اجرایی شدن رژیم مذکور، تلاش ایران برای احقاق حقوق پایین‌دستی خود، هنوز ادامه دارد. مشکل اصلی از آنجا آغاز شد که رهبران سیاسی افغانستان در قرن بیستم رودخانه هیرمند را رود داخلی فرض می‌کردند و هرگونه استفاده از آب آن را حق انحصاری می‌دانستند. افغانستان



با نادیده گرفتن حقایق ایران در موارد گوناگون و با دلایل و توجیهات مختلف به اقتصاد پیرامون هامون صدمه وارد کرده است و به دلیل آنکه در حوضه بالادستی رودخانه قرار دارد از آب به‌عنوان ابزاری برای زیر فشار قرار دادن ایران استفاده می‌کند.

#### ۴. امکان همکاری در حوزه آب در غرب آسیا

همکاری بین کشورها بر سر منابع آب، به میزان زیادی با روابط سیاسی و اقتصادی و سطح اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. اگر کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاه‌های سیاسی مشترک یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند، این عامل امکان همکاری و درنهایت، دستیابی به توافق بین آنها را افزایش می‌دهد. برعکس، زمانی که کشورهای حاشیه رود فاقد روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای باشند و یا تاریخچه‌ای از خصومت بین آنها وجود داشته باشد، این عوامل به عدم اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود منجر می‌شوند و در نتیجه، احتمال همکاری را کاهش می‌دهند. در چنین شرایطی، کشورهای بالادست رود سعی می‌کنند که از آب به‌عنوان یک اهرم سیاسی - اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای پایین دست استفاده کنند. تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه رودخانه‌ها، نیازمند توافق تمام کشورهای حاشیه آن و تقسیم منصفانه آب بین آنهاست. همچنین باید با یک رویکرد جامع تمام جوانب در تقسیم و سهم‌بندی آب و یا استفاده‌های دیگر از منابع آب رودخانه در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، دستیابی به توافق و امضای قرارداد ممکن است در کوتاه‌مدت مشکل را برطرف کند، اما نمی‌تواند آن را برای همیشه حل کند و اینگونه توافقات ناپایدار خواهند بود.

#### ۴-۱. حوضه رود اردن

با توجه به پیشینه طولانی خصومت میان اعراب و رژیم صهیونیستی و برنامه‌های بلندمدت این رژیم برای دستیابی بیشتر به منابع آب، امکان شکل‌گیری الگوی همکاری در میان کشورهای حوضه رود اردن بسیار دشوار خواهد بود. پیشینه مناقشات میان اعراب و رژیم صهیونیستی به‌وضوح نشان می‌دهد که آب نقش پررنگی در تشدید مناقشات میان کشورها داشته است. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت آب و زمین در تفکر صهیونیسم، می‌توان مطمئن بود که این رژیم از هیچ تلاشی برای توسعه منابع آبی خود فروگذار نخواهد کرد و می‌کوشد



که هیدروهمز مونی خود را حفظ کند.

مشکلات عدیده آبی و وضعیت درهم آمیخته و پیچیده در این ناحیه، بحران آب را در حوضه رود اردن به مسئله‌ای حساس تبدیل کرده که حل آن با توجه به اختلاف اعراب و رژیم صهیونیستی می‌تواند به مراتب پیچیده‌تر شود. راه‌حل‌های فنی و سیاسی نیز تاکنون به نتیجه مورد انتظار نرسیده‌اند. همین امر در کنار برنامه جدی و بلندمدت این رژیم برای افزایش سهم‌بری از رود اردن می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تنش در میان کشورهای ناحیه شود. به‌طور کلی، می‌توان احتمال داد که مسائل حوضه رود اردن حادث‌تر خواهد شد؛ زیرا کمبود آب و افزایش تقاضاها، به ویژه از سوی فلسطینیان، وجود تبعیض در استفاده از منابع آب و همچنین هزینه زیاد نمک‌زدایی آب مسائل صلح خاورمیانه تحت تأثیر قرار خواهد داد. با توجه به اهمیت نقش آب در میان صهیونیست‌های ساکن فلسطین، دستیابی به رژیم آبی در این منطقه اگر غیرممکن نباشد، کاملاً دشوار خواهد بود؛ با این شرایط می‌توان انتظار داشت که مسئله آب طی سال‌های آینده در این حوضه کاملاً امنیتی شود. از سوی دیگر، با به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت رژیم از سوی دولت آمریکا، مذاکره بر سر راه‌حل دو دولتی با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهد شد؛ بدین ترتیب، ممکن است که تنش و کشمکش بر سر دستیابی به منابع آب این حوضه افزایش یابد.

#### ۴-۲. حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

در حوضه دجله و فرات، ترکیه به‌عنوان کشور بالادستی به‌علت اجرای پروژه گاپ، گسترش صنعت گردشگری و اجرای طرح‌های اقتصادی و توسعه‌ای در حال استفاده فزاینده از آب رودخانه‌های دجله و فرات است. از سوی دیگر، در کشورهای پایین‌دست نیز نرخ رشد جمعیت بالا بوده و تقاضا برای استفاده از آب این رودها رو به افزایش است که این مسئله نوعی تضاد منافع را در این حوضه به وجود آورده است. آنچه زمینه را برای افزایش تنش میان کشورهای حوزه این رودخانه‌ها فراهم کرده، عدم وجود موافقت‌نامه‌ای جامع بین آنهاست. در این میان، ترکیه در این حوضه به‌عنوان هیدروهمز مونی عمل می‌کند. به‌نظر می‌رسد که در صورت تحقق طرح‌های مربوط به خط لوله آب صلح و حمل آب به وسیله کشتی از ترکیه می‌تواند الگوی جدیدی از مناسبات قدرت در منطقه خاورمیانه را موجب شود و قدرت را از جنوب خاورمیانه و از حوضه‌های نفتی دهران در خلیج فارس به شمال این منطقه و





دشت‌های پرآب هران در آناتولی جنوبی منتقل کند.

ترکیه با اجرای پروژه گاپ و احداث سد ایلپسو به حقابه کشورهای پایین‌دست این حوضه، یعنی سوریه، عراق و ایران دست‌اندازی کرده است و با انحصار آب دجله در حال نابودی تالاب هورالعظیم است؛ چرا که دجله مستقیماً از ترکیه وارد عراق شده و بعد از آبیاری این کشور، سرانجام به تالاب هورالعظیم در غرب استان خوزستان می‌رسد و در واقع، عمده آب ورودی این تالاب مرزی با ایران از طریق دجله و فرات تأمین می‌شود. هورالعظیم تنها باقیمانده تالاب‌های بسیار بزرگ بین‌النهرین و شاهدی زنده بر اقوام و تمدن‌های مختلفی از بدو خلقت تا کنون است.

ترکیه به عنوان کشوری که در ابتدای جریان آب قرار دارد، برای خود حق مطلق در مورد آب‌های سرچشمه گرفته از خاکش قائل است و ادعای همسایگانش را مبنی بر حق اولیه (بر آب) به‌طور قاطع رد می‌کند. آنکارا در مورد این رودخانه‌ها نوعی مصرف بهینه را توصیه می‌کند و معتقد است که باید سیستم آبیاری این کشورها اصلاح شود.

#### ۱-۲-۴. وضعیت همکاری میان کشورهای حوضه رودخانه دجله و فرات

از بیان آنچه مطرح شد، آشکارا مشخص است که کشورهای حوضه رودخانه‌های دجله و فرات در مورد سهم خود از آب آنها دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقضی دارند؛ درکی که هریک از چند کشور حوضه این رودخانه‌ها دارند ممکن است در آینده و با پررنگ‌تر شدن نقش بحران آب حل مسئله و بهره‌برداری را از آب این رودخانه‌ها با مشکل مواجه سازد. در چنین شرایطی لزوم همکاری برای شکل دادن به رژیم آبی در منطقه اگرچه راه‌حل آسانی نیست، اما می‌تواند ممکن باشد؛ تنها راه ایجاد رژیم آبی مشخص و قابل قبول برای همه طرف‌ها که متضمن تأمین منافع آنان باشد، حصول «درک مشترک» از سهم و حقابه کشورها و تلاش برای تعیین آن است. این امر به‌خصوص برای کشورهایی مانند ایران که از نبود چنین رژیم آبی‌ای ضرر کرده‌اند مطرح است؛ بدین ترتیب، تهران می‌تواند در حصول این درک پیشقدم شود.

#### ۳-۴. حوضه رود هیرمند

پس از انقلاب اسلامی، دولت ایران همواره با کاهش جریان آب هیرمند، ضمن پیگیری اعتراض از مجرای سیاسی، خواستار تغییر جریان آب هیرمند به میزان تعیین شده در قرارداد



۱۳۵۱ و اجرای مفاد این قرارداد شده است. این در شرایطی است که ایران عمدتاً از طریق رودخانه هیرمند و هریرود به منابع آبی خارج از مرزهای خود و مشخصاً به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای تهران محسوب می‌شود. با عنایت به آغاز دور تازه گفتگوها میان ایران و افغانستان بر سر هیرمند و با توجه به اینکه زمینه‌های مشترک متعددی بین دو کشور برای توسعه همکاری‌ها وجود دارد، به تبع آن، آب هم می‌تواند تسهیل‌کننده این روابط باشد؛ توافق ایران با افغانستان بر سر رژیم آبی رودخانه هیرمند می‌تواند به تعیین سند راهبردی و جامع برای همکاری‌های دوجانبه کمک کند و دو کشور با دیپلماسی برد - برد در کنار تدوین معاهده جامع بین خودشان، رژیم حقوقی هیرمند را برای همیشه روشن کنند.

آغاز روند مذاکرات دوباره بر سر هیرمند این گمان را تقویت می‌کند که می‌توان با دستیابی به یک رژیم آبی دوسویه که مورد رضایت هر دو طرف باشد، نه تنها امکان حل مناقشه بر سر دستیابی به منابع محدود آب را فراهم کرد، بلکه از پیچیده شدن قضیه و احتمالاً اضافه شدن بر تنش‌های فعلی جلوگیری به عمل آورد؛ امری که در صورت تحقق به توسعه اقتصادی منطقه و ترمیم امنیت انسانی آن کمک شایانی خواهد کرد. پیگیری دیپلماسی آبی برای تأمین منافع ملی، مهم‌ترین راه پیشنهادشده برای ایران، به‌عنوان کشور فرودست رودخانه‌های مشترک است که منافع آن را به بهترین شکل تأمین خواهد کرد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هریک از حوضه‌های آبخیز خاورمیانه مجموعه مناطق امنیتی آبی‌ای را تشکیل می‌دهد که الگوی حاکم بر این سیستم‌های آبی می‌تواند متفاوت و متأثر از روابط سیاسی میان کشورهای منطقه باشد.

درحالی‌که جنگ رخدادی دائمی در خاورمیانه است، هنوز هیچ جنگ مستقلی برای آب در این منطقه رخ نداده است؛ اما منابع آب خاورمیانه با تقاضای روزافزون و کاهش میزان آب مواجه‌اند. با نگاهی به نقشه طبیعی و شبکه جریان آب‌های خاورمیانه مشخص می‌شود که شرایط برای ایجاد تنش در مسائل مربوط به آب کاملاً آماده و مهیاست؛ زیرا:

۱. خاورمیانه ناحیه‌ای خشک است و تعداد رودهای جاری کم و کوچک هستند؛



۲. رودهای منطقه در بیش از یک کشور جاری و بین چند کشور مشترک هستند؛
۳. سرچشمه اکثر رودهای بزرگ منطقه (به غیر از رودهایی که از ارتفاعات زاگرس ایران سرچشمه می‌گیرند) از ارتفاعات جنوبی و شرقی ترکیه است؛
۴. خاورمیانه سریع‌ترین نرخ رشد جمعیت در جهان را دارد. جمعیت جهان عرب در ۲۳ سال آینده دو برابر و جمعیت فلسطین اشغالی با مهاجرت بی سابقه از سوریه، در پنج سال آینده ۲۵ درصد افزایش خواهند یافت. با توجه به روند گرمایش جهانی، میزان بارش در این منطقه در بلندمدت کاهش قابل توجهی خواهد داشت؛ درحالی که رشد جمعیت همچنان تداوم می‌یابد.
- به این ترتیب، با وضعیت موجود در خاورمیانه می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت عمومی آب در سال‌های اخیر به‌عنوان یک مشکل پیش رو در روابط میان کشورهای خاورمیانه مطرح بوده است.
- در حال حاضر، نقش آب در خاورمیانه به‌صورت یک منبع استراتژیک و محدودکننده برای توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است که در صورت تداوم وضعیت، می‌تواند در منطقه منجر به مناقشات خشونت‌آمیز شود. با توجه به وضعیت پرآشوب خاورمیانه، درگیری بر سر منابع آبی وضعیت این منطقه را بیش‌ازپیش پیچیده خواهد ساخت. در چنین شرایطی احتمال وقوع تنش بین کشورها برای دستیابی به منابع آب بیشتر و یا تشدید تنش در میان آنها وجود خواهد داشت. بنابراین، لازم است تا توافق‌های بین‌المللی موجود مربوط به آب را که در حوزه مدیریت آب در منطقه ایجاد شده‌اند، تبیین و همچنین برداشت صحیحی از هیدروپلیتیک منطقه صورت بگیرد؛ این مسئله کشورهای منطقه را قادر می‌سازد تا تعیین کنند که هیدروپلیتیک به‌عنوان یک پدیده منطقه‌ای، موضوعی تفرقه‌انگیز و مناقشه‌برانگیز یا انسجام‌بخش و هم‌گراکننده است. تجربه مثبت جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای (به‌دور از قضاوت در مورد بدعهدی آمریکا) نشان از توان بالای جمهوری اسلامی در حل پیچیده‌ترین مسائل دارد. با توجه به این ظرفیت، از نگاه نگارنده، مسئله‌ای همچون مسئله آب‌های فرامرزی بسیار ساده‌تر از آن است که بخواهد منجر به درگیری بیشتر در منطقه آشوب‌زده غرب آسیا شود. با عنایت به اینکه ایران غالباً در حوضه پایین‌دستی رودخانه‌های مشترک قرار دارد و نظر به وضعیت نابسامان تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور، تعیین حقابه و تخصیص سهمیه به آن دست از حوضه‌های آبریز کشور که از آب



رودخانه‌های مرزی تأمین می‌شود از راه دیپلماسی آبی<sup>۱</sup> ضروری به‌نظر می‌رسد. طبق یافته‌های نگارنده و صحبت با کارشناسان محیط زیست، بهترین راه مبارزه با ریزگردها و افزایش میزان بارش‌ها، بالا بردن میزان رطوبت موجود در هواست که این امر از راه آب موجود در تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور صورت می‌گیرد؛ چرخه‌ای که متأسفانه امروزه با اختلال روبه‌رو شده است. در این راستا، مذاکره برای دستیابی به سهمیه آب ایران از رودخانه‌های مشترک مرزی و انتقال آن صرفاً به چرخه زیست‌محیطی‌ای مانند تالاب هامون و نه مصارف دیگر، نه‌تنها ضروری است، بلکه به پویایی دست کم چند منطقه از کشور کمک کرده و جلودار ضرر بیشتر خواهد بود.

از آنجا که حل مسائل و مشکلات ناشی از کمبود آب از عهده تک‌تک کشورها خارج است، لذا همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. به این منظور دولت‌ها نیازمند در پیش گرفتن سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید آب و هوایی و جمعیتی هستند. در چنین شرایطی سیاست خارجی واحد سیاسی مبتنی بر همکاری در زمینه چالش‌های ناشی از کمبود آب، شامل حل و فصل منازعات و همکاری، همکاری‌های زیست‌محیطی و آب مجازی مبتنی می‌گردد. آب مجازی یکی از راه‌های مدیریت چالش‌های آب در قرن بیست و یکم در نواحی خشک و نیمه خشک به شمار می‌رود. آب مجازی به معنای واردات هوشمند مواد غذایی یا کالاهای صنعتی براساس اصل مزیت نسبی است. در این خصوص دو شیوه می‌تواند مدنظر قرار گیرد: ۱- واردات کالاهای آب‌بر ۲- تولید این کالاها در نواحی پر آب با سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای کم‌آب.

### پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت ورثکستگی کامل آبی در ایران

صحبت از امنیت غذایی که بی‌تردید امنیت انسانی و امنیت اجتماعی ایران (اشتغال) را به‌دنبال خواهد داشت، الزاماً به معنای خودکفایی در همه محصولات کشاورزی نیست. از سوی دیگر، تعطیل کردن کشاورزی یا درخواست آن در شرایط کنونی امر درستی نیست. برای ترمیم وضعیت فعلی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. سرمایه‌گذاری در علم هیدروپلیتیک؛ هیدروپلیتیک به معنای مطالعه و بررسی همه جانبه آب و توجه به وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن است. مطمئناً



بدون شناخت و جوه چندگانه آب، درک جوانب مختلف بحران آب مقدور نبوده و این مسئله منجر به مواجهه چهارچوب مند و اصولی کشورهای منطقه با بحران آب نخواهد شد. بنابراین کمک به توسعه علم هیدروپلیتک در دانشگاهها و ترویج تحقیقات آب شناسانه کمک بسیار ارزشمندی به حل و فصل بحران آب و جلوگیری از عمیق تر شدن بحران در منطقه خواهد کرد.

در پیش گرفتن دیپلماسی فعال آبی: از آنجاییکه حل مشکلات ناشی از کمبود آب در خاورمیانه از عهده تک تک دولتهای منطقه برنمی آید، بنابراین همکاریهای دوجانبه، چندجانبه، منطقه ای و جهانی تنها راه مواجهه با این مشکل و پیشگیری از تشدید آن است. ایجاد یک سازمان منطقه ای برای مبارزه با معضل کم آبی و جلوگیری از عمیق تر شدن بحران و حل اختلافات احتمالی فی مابین کشورهای که رود مشترک هستند امری الزامی است. در این باره کوین واتکیز، از پژوهشگران سازمان ملل متحد معتقد است: "اداره آبهای مشترک می تواند عاملی برای صلح یا مناقشه باشد، لذا این تصمیم گیران سیاسی هستند که مسیر مناقشه یا صلح را برمی گزینند"

۲. توجه به موضوع آب مجازی: آب مجازی یکی دیگر از راههای مدیریت بحران آب در خاورمیانه است. آب مجازی به معنای استفاده از اصل مزیت نسبی در موضوع واردات است و به معنای واردات هوشمند "مواد غذایی و کالاهای آب بر" از سایر کشورهاست. درواقع از این طریق، بجای مصرف آبهای داخلی برای کشاورزی و ...، این مواد از طریق کالاهای آب بری که از خارج وارد شده است، تامین می گردد و دیگر نیازی به مصرف زیاد آب برای تولید این مواد غذایی و سایر کالاهای آب بر نیست. از این مسئله بعنوان واردات آب مجازی یاد می شود.

۳. سرمایه گذاری در کشورهای پرآب: راه دیگر صرفه جویی در مصرف آب در منطقه خاورمیانه، سرمایه گذاری کشورهای این منطقه در بخش کشاورزی، در مناطق پر آبی نظیر آفریقا و آسیای جنوب شرقی و واردات کالاهای کشاورزی از این کشورهاست.

۴. افزایش قیمت آب و ایجاد مالیاتی با عنوان «مالیات آب» برای جلوگیری از هدر روی منابع آبی.

۵. توسعه شبکه‌های نوین آبیاری و کشاورزی.

۶. تلاش دولت برای دستیابی به منابع مالی بین المللی از طریق صندوق‌های توسعه و



محیط زیست سازمان ملل متحد برای مقابله با این معضل راهکار دیگری برای مهار بحران کم آبی است.

۷. لزوم برخورد سریع برای مسدود کردن چاه‌های بدون مجوز؛

۸. جلوگیری از روند بی‌رویه سدسازی در کشور؛

۹. تغییر سیستم کشاورزی کشور؛ دولت می‌تواند با اعطای تسهیلات و یا خرید بالاتر از قیمت محصولات کشاورزی که از روش‌های نوین آبیاری استفاده می‌کنند، سهم به‌سزایی در کاهش مصرف آب کشاورزی و افزایش بهره‌وری در این حوزه داشته باشد.

۱۰. نصب شمارشگر (کنترهای) هوشمند؛ به‌این ترتیب، کشاورزی که از چاه‌های مجاز آب استحصال می‌کنند، بیش از سهمیه آب معین شده توان برداشت نخواهند داشت.

۱۱. کاهش بارانه سوختی کشاورزان که از آنها برای استحصال آب استفاده می‌کنند؛

۱۲. تغییر شیوه تولید برق؛ نظر به پهنه سرزمینی ایران، احداث شهرک‌های تولید برق از صفحه‌های خورشیدی علاوه بر اینکه تبعات زیست‌محیطی ندارد، هزینه دولت را کاهش می‌دهد، بهره‌وری بالایی داشته و می‌تواند تولید مازاد داشته باشد. به‌این ترتیب، برای بخش زیادی زمینه اشتغال‌زایی فراهم شده، مازاد برق به‌راحتی به کشورهای دیگر صادر خواهد شد و مهم‌تر از همه، مصرف آب کاهش چشمگیری خواهد یافت. استان‌های جنوبی و جنوب شرقی کشور برای این کار مناسب به‌نظر می‌رسد.

و به عنوان آخرین پیشنهاد آخر اینکه

۱۳. دولت باید از مردم در اجرای امور کمک بخواهد. اگر دولت مشکلات را با مردم صریح و شفاف بیان کند و آنان را به یاری بطلبد، مردم با احساس توانایی ایفای نقش در جامعه به کمک دولت خواهند شتافت؛ اما اگر دولت مردم را در اجرای امور دخیل نکند، مسئله «بی‌تفاتی» که امروز گریبانگیر جامعه شده گسترش پیدا خواهد کرد.



## منابع

۱. حیدری‌فر، محمدرئوف (پاییز ۱۳۹۱)، «مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱.
۲. رومی، فرشاد (پاییز ۱۳۸۷)، «امنیت نظام بین‌الملل در پرتو تغییرات آب و هوایی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ودوم، شماره ۳.
۳. فغانی، حجت‌اله (۱۳۷۸)، ابعاد سیاسی - امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی و آینده مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. کاویانی راد، مراد (زمستان ۱۳۹۰)، «امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپلیتیک»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۲۰، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۰.
۵. مدنی، کاوه، و امیر آفاکوچک و علی میرچی (پاییز ۱۳۹۶)، ترجمه: شهره صدری خانلو، «چالش‌های یک ملت ورشکسته‌آبی؛ ورشکستگی اقتصادی - اجتماعی آب در ایران». فصلنامه طبیعت و محیط زیست، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۶.
۶. مختاری هشی، حسین، و مصطفی قادری حاجت (بهار ۱۳۷۸)، «هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵م، مطالعه موردی: «حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.
۷. نصری، قدیر (زمستان ۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی ۵۴).
8. -----, 2016, "Water, Scarcity, Excess and the Geopolitics of Allocation". Joseph H. Lauder Institute of Management & International Studies at the University of Pennsylvania. USA.2016
9. -----, 2017, Economist: "The Meaning of the Security in the 21Century", Economist Intelligence Unit, London;  
<https://perspectives.eiu.com/sites/default/files/The-meaning-of-security-in-the-21st-century1.pdf>
10. Aman, Fatemeh (Aug 2016), "Water Dispute Escalating between Iran and Afghanistan", Atlantic Council. South Asia Center.
11. Kibaroglu, Aysegül (July 2015), "Transboundary Water Governance in the Euphrates Tigris River Basin";  
<http://www.e-ir.info/2015/07/22/transboundary-water-governance-in-the-euphrates-tigris-river-basin/>
12. Le Billon, Phillip, "Geopolitics of Water Resources: Resource Dependence, Governance and Violence", London, Routledge, 2005.
13. Lovelle, Madeleine. "Israel: Effective Supply-Side Solutions but is Water



**Security Still Threatened?"**

<http://www.futuredirections.org.au/publication/israel-effective-supply-side-solutions-water-security-still-threatened/>

14. Mikal Espedal, Terje, **"The relationship between natural resources and armed conflict onset: 'It's complicated'"**, Spring 2012.
15. **"Water issues between Turkey, Syria and Iraq"**, A Study By The Turkish Ministry Of Foreign Affairs, Department Of Regional And Transboundary Waters;  
<http://sam.gov.tr/wp-content/uploads/2012/01/WATER-ISSUES-BETWEEN-TURKEY-SYRIA-AND-IRAQ.pdf>
16. -----, Water, Scarcity (Mar 2016), Excess and the Geopolitics of Allocation. The Lauder Institute, Wharton School, University of Pennsylvania Philadelphia
17. Ondrejcsák, Robert (2014), **Introduction to Security Studies**. Centre for European and North Atlantic Affairs (CENAA), Bratislava.